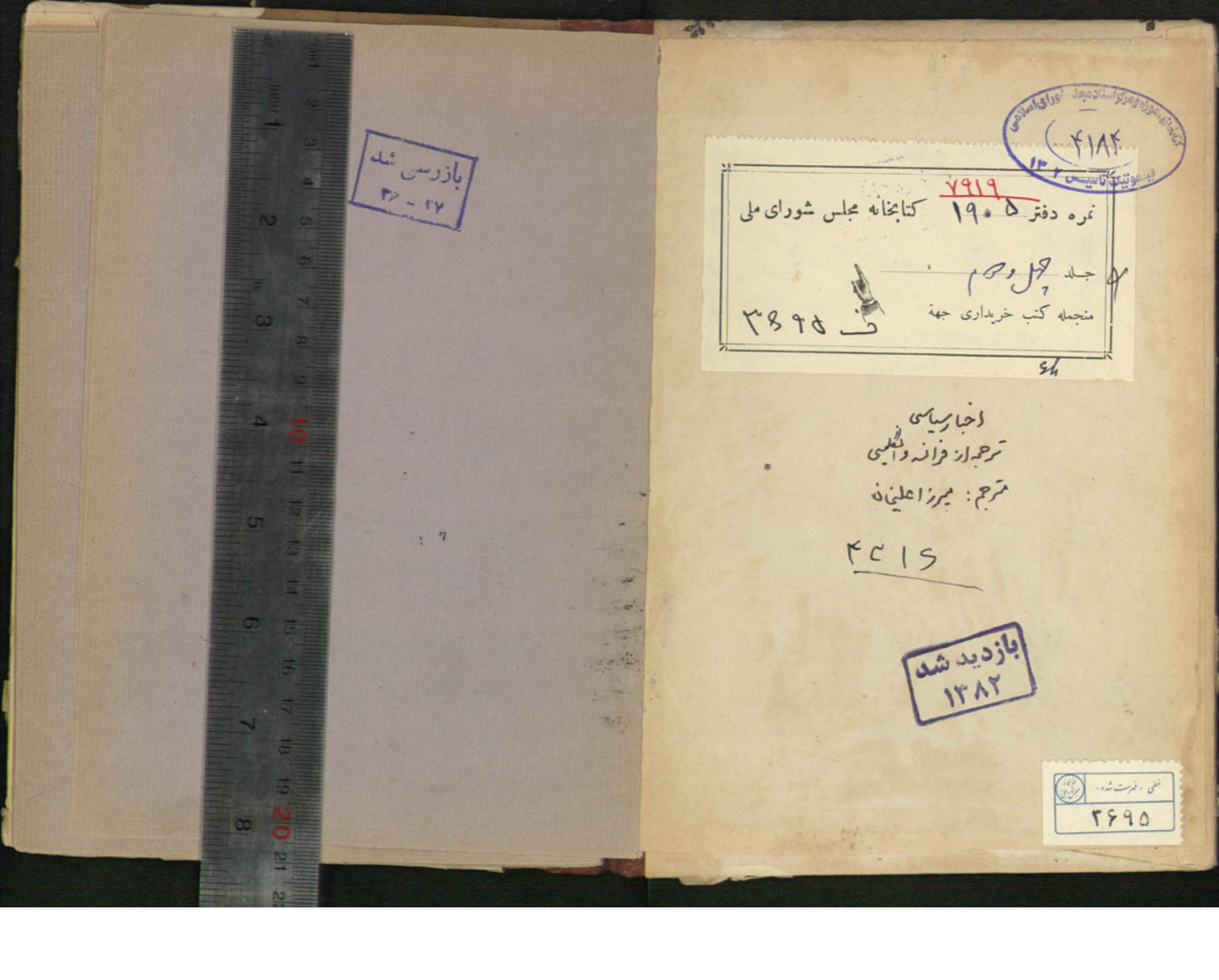
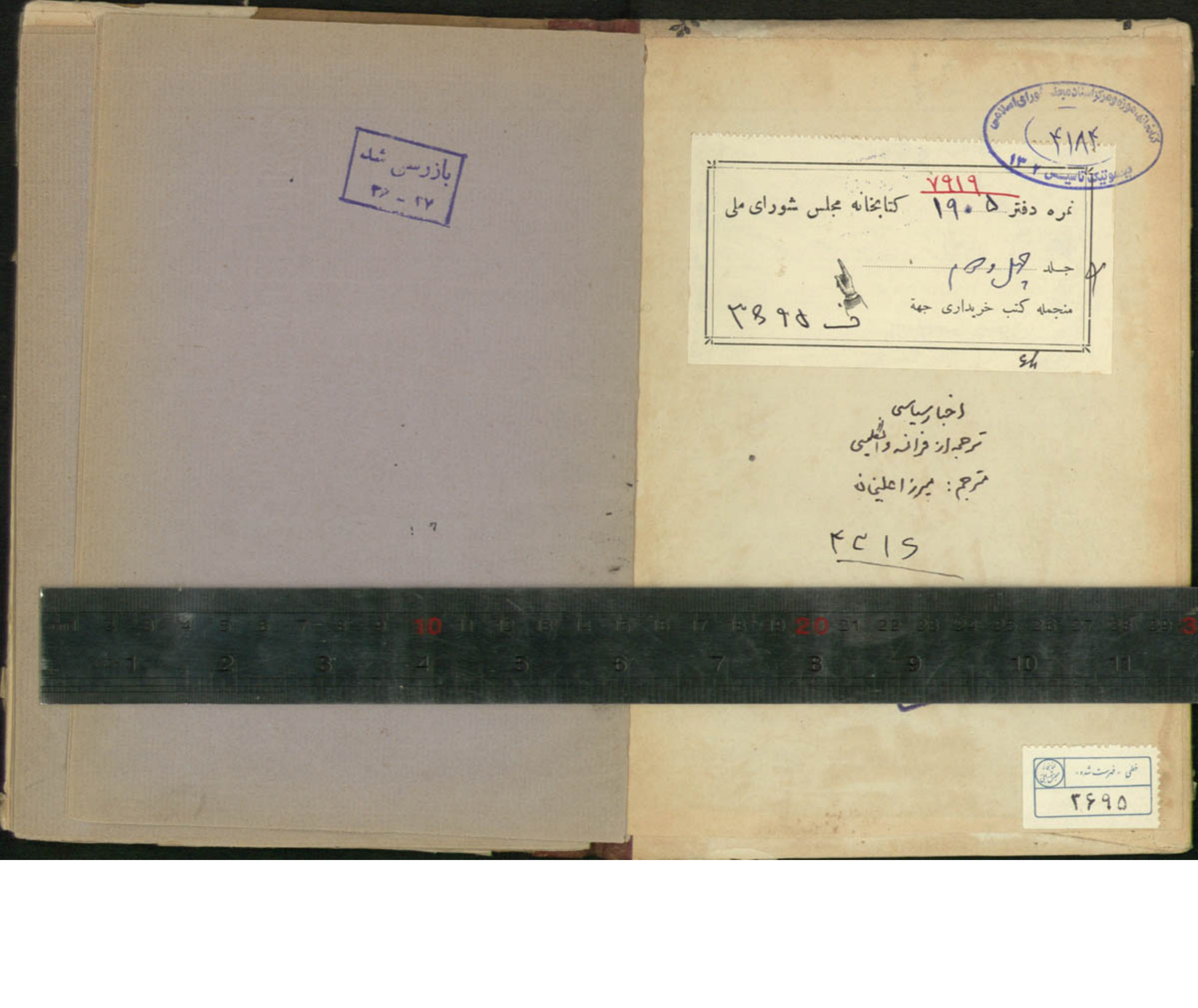
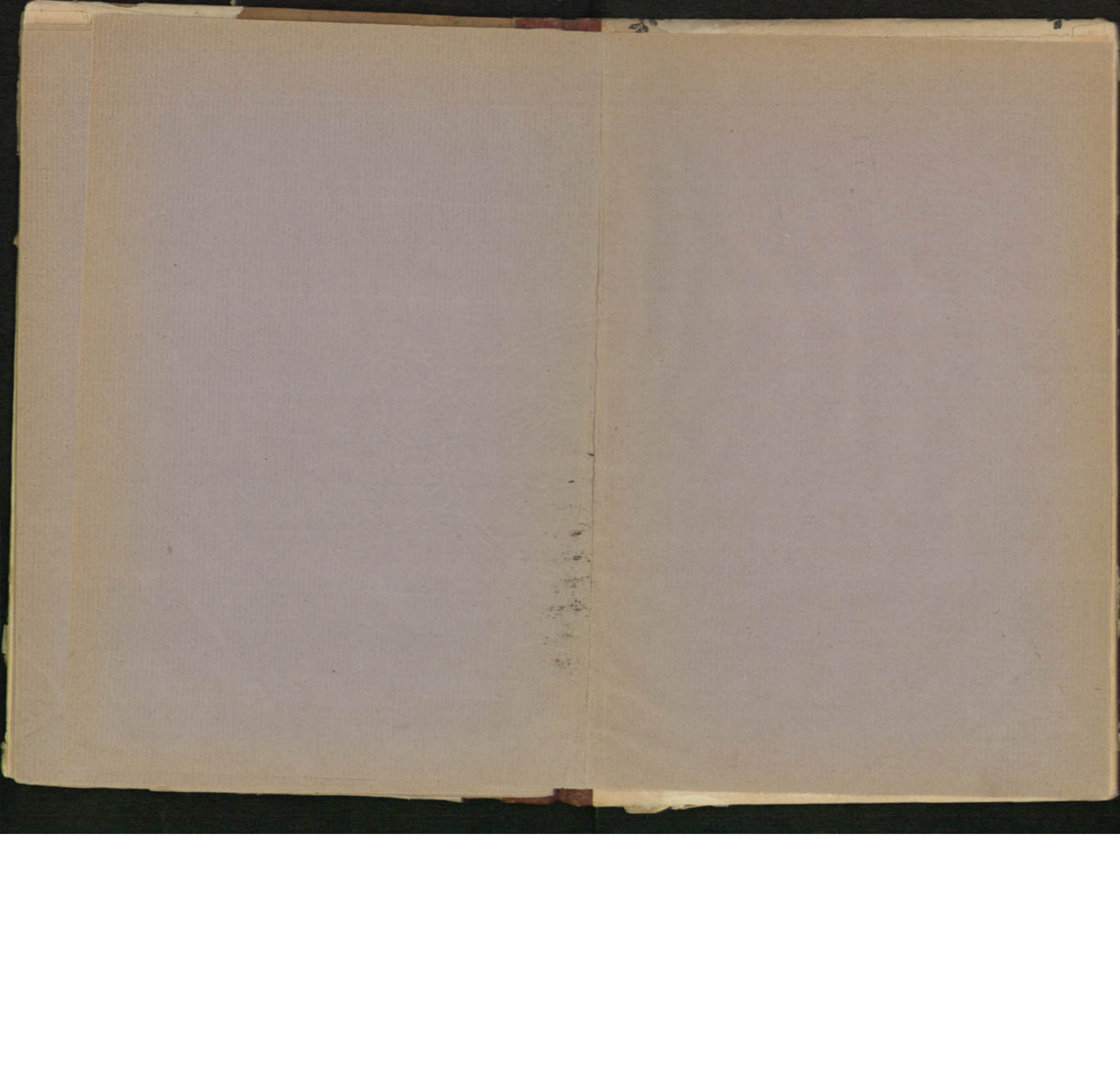

ترجمه میرزا علیخان از فرانسه و انگلیس
در شهر شوال المکرم ۱۳۰۱
۴۳۱۶
خطی «فهرست شده»
۳۶۹۵



بازرسی شد
۲۷ - ۳۶
کتابخانه مجلس شورای ملی
نمره دفتر ۱۹۰۵
۷۹۱۹
جلد
منجمله کتب خریداری جهة
۳۶۹۵
اخبار سیاسی
ترجمه از فرانسه و انگلیسی
مترجم: میرزا علی‌نقی
۴۲۱۶
بازدید شد
۱۳۸۲
۴۱۸۴
۳۶۹۵


بازرسی شد
۲۷ - ۳۶
کتابخانه مجلس شورای ملی
نمره دفتر ۱۹۰۵
۷۹۱۹
جلد
منجمله کتب خریداری جهة
۳۶۹۵
۴۱۸۴
اخبار سیاسی
ترجمه از فرانسه و انگلیسی
مترجم: میرزا علینقی
۴۲۱۶
۳۶۹۵



تونیس

بتاریخ اول ماه ژویلیه بروزنامه سنت پطرزبورغ خبر داده اند که حکومت تونیس در بیست و چهار ساعت بمعیت رجال نظامی یک مریضخانه در گولت قرار داده که جای دویست و پنجاه رختخواب و پنجاه چادر دارد و آنها را برای مرضائی مقرر داشته اند که در صورت ظهور وبا در تونیس بمعالجه و پرستاری آنها اشتغال ورزند اجزاء حافظ الصحه در محلات شهر گردش کرده هرجائیکه

جمعیت زیاد باشد تعدیل نموده و درصدد نظافت شهر وحفظ صحت اهالی برمیآیند .

برمان

گماشته روزنامه طیمس در کلکته تفصیل فرار کردن شاهزاده مان گئون را که در شاندرناگور محبوس بود موافق تفصیل ذیل روایت نموده است .

الحال موقع رسیده که حکومت هندوستان درصدد برقرار نمودن نظم و امنیت برآمده و اقتدار خود را در مملکت برمان برقرار نماید .

از وقتیکه فرانسه ها تنکن را تصرف نموده اند ضرورت این اقدامات بیشتر از پیشتر لازم و واجب شمرده شده است

فرانسه‌ها به ماندالی نزدیک شده و این فقره محتمل است
که اغتشاش بمیان آید چنین گمان میرود که درباب
فرار کردن پرنس مانگنون با رجال دولت فرانسه گفتگو
شده است وچون معلوم گردیده که تیبو پادشاه
طالب بوده است که با دول اروپا معاهده اتحاد
منعقد بدارد لازم است که دولت انگلیس در مملکت
برمان اقتدار و اعتبار خود را بیش از پیش برقرار نماید

اقیانوس

از ملبورن واقعه در استرالی خبر داده اند که پنج کلونی
دولت در استرالی مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی داده اند
که تنخواه مزبور صرف توسعه اقتدار و استیلای دولت

انگلیس در قسمت مغربی محیط آرام بشود .

اخبار مختلفه

یک فروند از کشتیهای آخر که از بندر مارسیل به بارسلن
میرفت ده هزار عدد مرغ در میان داشت که آنها را از
ایطالیا آورده و به اسپانیا میآوردند .
چون رجال دولت اسپانیا هنگام عزیمت کشتی اقدامات
لازمه برای ماندن در قرنطین بعمل نیاورده بودند چیزیکه
تهیه دیده شده بود بقدر مدت بیست و چهار ساعت
برای آن مرغها دانه برداشته بودند ولی بین راه
مقرر شد که کشتی مزبور مدت بیست روز در قرنطین بماند
و حال برای این حیوانات کار سخت خواهد شد .

ورستشده این مرغها بلا درنگ از مارسیل بطرف
بارسلن عازم شده است که تهیه آذوقه برای این دو هزار
مرغ فراهم بیاورد و نگذارد آنها از گرسنگی بهلاکت رسند
در روزنامه سنت پطرزبورغ مورخه هشتم ماه ژویلیه نوشته است
که ایندروزها یکی از کشیشهای یکی از محلات نجبای شهر شفیلد
واقعه در انگلیس قصد عروسی داشت موافق رسم انگلیسها
او اول در کلیسا در محل مخصوص که باید شرایط مزاوجت
بعمل آید وارد شده منتظر عروس خود گردید در این بین
عروس ملبس بلباس عروسی ظاهر شده و پهلوی او
نشست - عروس بکلی تنها بود و خیلی موجب تعجب شد
از اینکه از اجزاء خانواده عروس کسی حاضر نبود و خلیفه که میبایستی

شرایط مزاوجت را بعمل آورد از این بابت تردید پیدا کرده
در صدد برآمد معین نماید که این مزاوجت صحت دارد یا نه
احتیاطی که او بعمل آورد خالی از فایده نبود آن عروس
پارچه ضخیمی بروی صورت خود افکنده بود بزحمت
زیاد آن پارچه را از روی صورت او برداشتند معلوم
شد که آن زن نامزد حقیقی آن کشیش نبوده و یکی از زنهای
محله بوده است که عشق شدیدی به کشیش پیدا کرده و این
تدبیر را کرده بود که خود را بمزاوجت او درآورد بزحمت
زیاد او را از کلیسا بیرون آوردند در همان آن عروس
حقیقی با تشریفات و اجزاء خانواده خود وارد گردید .

از لندن

تاریخ پنجم ماه ژویلیه روزنامه سنت پطرز بورغ تلگراف
کرده اند - که موافق قول روزنامه استاندارد هر گاه
دول اظهارات دولت انگلیس را درباب مصر قبول نمایند
قرض نمودن شانزده کرور لیره از خانواده روتشیلد
خواهد شد ومنفعت انرا از قرار سه درصد قرار خواهند داد
ومدت بیت وپنج سال تخفیفی در مبلغ منافع قروض داده
نخواهد شد .

از بوکارست

تاریخ دوم ماه ژویلیه تلگراف شده که یک قرانطین
هشت روزه در قسطنجه وسولینا قرارداده شده است
مال التجاره که از دریای مدیطرانه میآورند نمیتوانند به بندر

مانگالیا داخل شوند .

چین

در روزنامه سنت پطرز بورغ نوشته اند - که تنباکوی
چینی را روز بروز بیشتر بتجارت حمل ونقل مینمایند .
اغلب این تنباکو در ولایت هونان عمل میآید چند
سال است که در زراعت این نهال خیلی دقت میشود
وبسیار خوب عمل میآید از قراریکه معلوم میشود توتون
چینی در بازار لندن خیلی شهرت خوبی پیدا کرده است .

اخبار مختلفه

شخص معروفی در شهر نیویرک واقعه در ینگی دنیای شمالی
موسوم به بارنوم مبلغ پانصد دلار مقرر داشت که بهر

شاعریکه بهتر فیل سفید او را که تازه بباغ وحش آورده
بودند مدح نماید بدهند - دو نفر قاضی و یکنفر کشیش
منتخب شدند که اشعار شعرا را ملاحظه کرده رای خود را
در انتخاب بدهند .

جمیع اشعاری را که ملاحظه نمودند در سبد انداختند مگر
سه نسخه شعر را که فی الجمله بهتر از دیگران بودند .
یکنفر از قضات و آن کشیش مصمم براین شدند که بواسطه
قرعه کشیدن معلوم شود که کدام یک از این سه
شعر مستحق انعام مزبور است ولی آن قاضی دیگر این
مطلب را صراحتاً قبول ننموده و گفت من نمیخواهم اسم
من در تمام دنیا معروف شود که من رای داده ام

از اینکه یکی از این سه نسخه شعر مبلغ پانصد دلار قیمت
داشته است و هرگز راضی باین معنی نمیشوم در مجلسیکه
بجهة تعیین این فقره مقرر شد چنین رای دادند که آن
سه نسخه اشعار از سایرین بهتر است ولی میان آن سه
نسخه معلوم نیست کدام یک امتیاز دارد .
آنچه بنظر میآید بارتوم نام این مبلغ را میان مصنفین
آن سه نسخه شعر که بهتر از دیگران تصور شده است تقسیم
خواهد نمود اسامی آن شعرا هنوز معلوم نیست
چون پاکتی که اسامی آنها میان آنست هنوز باز نشده .
در ولایت مکلامبورک واقعه در آلمانیا صید شیر از جمله
وقایع نادره است - این روزها یک شیر نر و یک شیر ماده

در کالسکه‌ها گذارده و به استرال سونه میبردند بین راه کالسکه
که در آن شیر ماده بود به عراده عقب آویخته و سرنگون
گردید و قفسه شیر خورد شد آن شیر پس از لحظه تأمل خود را
بیرون انداخته و راه صحرا را اختیار نمود و داخل مزرعه شد
که یکدسته از اهالی مکلامبورگ را فراری ساخت بازیکی
از خورجین‌هائیکه روی زمین گذارده شده بود مشغول
بازی گشت و باللذت تمام روی زمین میغلطید بعد از
آن چون یکدسته اسب مشاهده نمود خود را بروی
کره انداخته و آنرا در یک مزرعه گندم برد .
با تهورترین صیاد آن مملکت با تفنگ دویدند ولی
تفنگها با ساچمه پر شده بود و آن شیر مجروح گردید و

نعره زنان در جنگلها فرار نمود و تمام اهل آنجا از وحشت
دیوانه شده بودند کلیه دواب بتعجیل بجاهای خود میدویدند
زارعین از کار دست کشیده اطفال را در خانه‌ها گذارده
و در ها را بستند عابرین از راهها عبور نمی‌نمودند سرکرده
نظامی رستاک از این فقره بتوسط تلگراف مطلع شد
یکدسته پیاده نظام فرستاد صیادان و سربازان
جنگلی را که در آنجا شیر رفته بود محاصره نمودند الحیوان
چون دید اطراف او را گرفته‌اند نعره زنان در میان
اشجار در هم فرار نمود دایره محاصرین رفته رفته کوچکتر
شده تا آنکه شیر را دستگیر نمودند با تفنگی که پنج گلوله
بآن خورده و دو بچه آبستن بود که اگر چند هفته دیگر

میماند تولد میشدند — چیز غریب این است اشخاص کثیری
از رستنک محض تماشا بجنگل رفته و هیچ اسلحه همراه خود
برنداشته بودند .

از مادرید

بتاریخ سی ام ماه ژون بروزنامه سنت پطرزبورغ
تلگراف شده است که بواسطه ناخوشی وبا که در شهر
تولن بظهور رسیده است در سرحد یک قرنطین نظامی
قرار داده که مسافرینی که از فرانسه میآیند هفت روز
در قرنطین بمانند - ادخال پشم نشسته و پوست
و گوشت و دواب بخاک اسپانیا غدغن شده است .

از اسلامبول

بتاریخ سی ام تلگراف شده که شورای حفظ الصحه این شهر
قرار داده که جمیع مسافرین که از بنادر فرانسه میآیند
و جمیع مال التجاره که از آنها آورده میشود در قرنطین بمانند

اخبار مختلفه

مسیو بلدز و بوری در روزنامه تان تفصیل غریبی در باب
مسیو گامبطا نوشته از قرار تفصیل است .
میگوید یکی از شبهای سنه ۱۸۶۶ از تماشا خانه که در آنجا سان
فنیو اجشند بیرون میآمدم و در این بین در خیابان شل
نام را ملاقات کردم که با کسی گردش مینمود لحظه با
یکدیگر صحبت کرده و خواستیم مفارقت کنیم شخص عابر
بمن گفت آیا صحت دارد که شما قصد دارید با خانواده میربر

مرافعه نماید من از سئوالیکه او بموقع کرده بود قدری
تعجب کرده گفتم بلی صحت دارد او مجدداً بصحبت مشغول
شده و گفت من متعهد میشوم که این مرافعه را برای شما
تمام کرده و بر طرف مقابل غالب کردم .
از وضعیکه او بمن اطمینان داد تعجب نمودم چون حرف
او را معتنا به نشمردم اعتنائی بمطلب او نکرده و دور شدم .
این شخص عابر گاه مبطا بود .

از الجبر

بتاریخ سی ام ژوئن تلگراف کرده اند که مابین سربازان
نزاعی درگرفته است نسبت به یهودیها تعدی شده
چندین خانه یهودیها را نهب و غارت کرده اند .

حکومت در صدد نظم و امنیت برآمده و مقصرین دستگیر شدند

آنام

جنرال میلت بوزیر بحریه دولت فرانسه بتاریخ ۲۵
ماه تلگراف کرده است چهار هزار نفر چینی پاس
معاهدات را نگاه نداشته و بقشونیکه میرفت در لانگ
سون ساخلو باشد در تنگه یورش برده اند
این قشون که مرکب از هشتصد نفر بوده و سیصد نفر آنها
از قشون معاون تنکن بودند مواقع خود را حفظ
کرده و دشمن را عقب نشانیدند .
من جنرال نگریه را با دو باطالیان سرباز و دو باطری
توپخانه بجهة کمک فرستادم از ما هفت نفر مقتول و

چهل و دو نفر مجروح شدند که دو نفر آنها صاحب منصب هستند
از آژانس هاواس چنین بملاحظه میرسانند - که مخابره که از مانو
دریافت نموده و متضمن بجمیع تفاصیل این خبر است ۲۳ ماه
ژوئن تاریخ داشته و باو در بیست و ششم ماه ژوئن رسیده لکن
روزنامه تان ضمناً میگوید - خبر جنگ لانگ سون
بتوسط آژانس هاواس به شارژدافر دولت چین
رسیده است او فوراً بچین تلگراف نموده که اطلاعات
صحیحه در اینباب تحصیل نماید - او چون بهتر از همه مقصد
دولت متبوعه خود را میداند اعتقادش این است که
قشونیکه استعداد عسکریه دولت فرانسه را در جلو لانگ
سون ملاقات نموده است اغلب از چینیهائی هستند

که از افواج فرار کرده و جرأت ندارند که بخاک
چین مراجعت نمایند باین جهة اهتمام مینمایند ینی را
که در تصرف دارند از دست نداده و در همانجا بسر برند

مصر

در روزنامه سنت پطرز بورغ مورخه نوزدهم ژوئیه
مسطور است که قشون ژان پادشاه حبش بنا بر
معاهده که این اواخر با امیرال هویت منعقد شده
بجنگ پرداخته است و باغیهائی که قساله را محاصره
کرده بودند شکست داده و راه قشون ساخلوی آنجا را
بجهة رفتن بمصر مفتوح نموده است - پادشاه حبش

ضمناً قشون خود را مأمور نموده است که باستخلاص قشون ساخلوی مصری در جلاهت و جدار و جیره برآید .

مخابره از البرفلد واقعه در وست فالی در پروس بروزنامه سنت پطرزبورغ رسیده متضمن بر اینست که در سیزدهم ماه ژوئیه در این شهر واقعه روی داده است در تماشاخانه اسب دوانی موسوم به کرمپر که روی آن پوشیده نیست تماشای اسب دوانی و بازی اسب در میاوردند در بین این طوفان سختی درگرفت صاعقه بروی درختی افتاد که چهار نفر روی آن نشسته و در خارج تماشاخانه بتماشا اشتغال داشتند هر چهار نفر

فوراً هلاک گردیدند یازده نفر که در نزدیکی بودند گیج شدند

از اسکندریه

بروزنامهٔ دیلی تلگراف نوشته اند که موافق یکی از شروط معاهدهٔ که فیمابین امیرال هویت و ژان پادشاه حبش منعقد شده است جمیع اسلحه و مهمات جنگ و آذوقه که الحال در قسله و در بلاد عمده سودان مشرقی است بدولت حبش واگذار شود پادشاه مختار است که از راه مصوع مهمات جنگ را داخل خاک خود نماید.

از قاهره

بتاریخ هجدهم ماه ژوئیه تلگراف کرده اند که بموجب خبر

موثق معلوم میشود که بلد وقاله وسنهیت بدولت حبش واگذار شده است .

کلکته

بیست و دوم ژولیه - اشخاصیکه جهة عضویت تحدید حدود برقرار خواهند شد - مستر گنذای استیفان یکی از اجزای سفارتخانه طهران و کلنل ریدجوای که یکی از اجزای مجلس وزارت خارجه هندوستان میباشد و کلنل استوارت در این ماموریت مخصوص سمت کمیسونی تحدید حدود ایران خواهند داشت که با کمیسون تحدید حدود افغانستان همراه خواهند بود .

کمیسونی که از هندوستان عازم میشوند در غره ماه او[illegible] حرکت مینمایند .

اتازونی

در روزنامه سنت پطرزبورغ مورخه بیست و چهارم ماه ژوییه مسطور است قبل از وقت اعلان شده بود که در ماموریتی که دولت اتازونی در ۱۸۸۱ به محیط آرکتیک فرستاده بود و مامورین بهلاکت رسیدند کسانیکه نجات یافته بودند لیوتنان گریلی و پنج نفر دیگر بودند باوجودیکه لیوتنان گریلی و همراهان او دوچار صدمات کلی گردیدند این ماموریت بی ثمر بوده است .

تفصیلی که لیوتنان مزبور هنگام ورود خود به سن
ژان دو ترنف بشهر نیویرک تلگراف نموده است
از قرار تفصیل در روزنامه استاندارد بطبع رسیده است .
انگلیسها الحال میتوانند لاف بزنند از اینکه به بعیدترین
نقطه صفحات قطب شمال رسیده باشند .
لیوتنان لاک وود و سرژان برنر روز سیزدهم
ماه مه بجزیره لاک وود رسیدند و این از هشتاد
و پنج درجه و بیست و چهار دقیقه خط عرضی و بیست و چهار
درجه و پنج دقیقه خط طولی بارتفاع دو هزار قدم بود
آنها در شمال و در شمال شرقی زمینی از مسافت بعیده مشاهده

نموده اند ولی در شمال غربی در هشتاد و سه درجه
و سی و پنج دقیقه خط عرضی شمال و سی و هشت درجه و
سی و دو دقیقه خط طولی غربی دماغه دیده اند که انجا را
به ربرت لین کلن موسوم ساخته اند .
من پس از انکه در فصل بهار و تابستان در دو خلیج گرنیل لاند
مسافرت نمودم دریاچه مشاهده کردم طول آن شصت
میل و عرض آن ده میل است این دریاچه که انرا موسوم
به دریاچه لاحایان نموده ام پارچه های یخ زیاد دارد
آبهای آن بواسطه رودخانه روگنی و وی پرخت به
خلیج کوئی بار میریزد .

از قلهٔ کوه آرثر که ارتفاع آن پنجهزار پا میشود تمام
اطراف مملکتی که در مغرب کوههای کنثرز واقع است
خوب نمایان است و بر من یقین حاصل است گرینل
لاند مستقیماً بطرف جنوب امتداد دارد و این از
نقطه است که لیوتنان آلدریش در سنهٔ ۱۸۷۶ بانجا رسیده
در سنهٔ ۱۸۸۳ لاک وود و برنز از گرینل لاند عبور نمودند
یعنی بقدر نود میل مابین خلیج لعاتریس و نقطهٔ آرثر
مسافت طی نمودند .

لاک وود وقتیکه در هشتاد درجه و سی دقیقه خط عرضی
و هفتاد و هشت درجه و سی دقیقه خط طولی قرار گرفت

ملاحظه نمود که سواحل شمالی بقدر بیست میل در سمت
مغرب امتداد دارد و سواحل جنوبی تقریباً بمسافت
پنجاه میل ممتد است و حال آنکه دماغه لاک وود
بمسافت هفتاد میل بود آنچه معلوم شده ورا آنجا
جزیره است که ورای جزیره موسوم به گرینل لاند
علیا شد بانجهة آنرا موسوم به آرثور لاند نموده ام
در ماه مارس سنهٔ ۱۸۸۴ سرژان لانگ بنگار رفته و
روزی روی کوهی بود و از آنجا در سمت شمال یک
ساحل و سه دماغه مشاهده نمود که همگی در سمت مغرب
واقع بودند و این سه دماغه ورای آن دماغه هائی است

که سر ژرژ نارس در ۱۸۷۶ دیده بود .

در مدت دو سال توقف جمیع ملاحظاتی را که شده بود جمع نموده و در کتابی درج کردند بعد از آن مأمورین براه افتاده و بسمت دماغه سابین مراجعت کردند .

کاپیتان کنان که از حیثیت تفتیشات در محیط آرکتیک از با بصیرت ترین اشخاص میباشد نتایجی را که از مأموریت لیوتنان گریلی حاصل شده است موافق تفصیل ذیل خلاصه نموده است .

اکتشافاتیکه بواسطه این مأموریت بدست آمده است

در مسافتی است که از درجه سیم خط عرضی و تقریباً چهل درجه خط طولی امتداد دارد و نتایجیکه حاصل شده است خیلی قابل ملاحظه میباشد .

مراکش

از طنجه بتاریخ هجدهم ماه ژوئیه تلگراف کرده اند موافق شهرتی که دارد اعراب در سرحد مراکش یکدسته از بازیگرهای فرانسه را بقتل رسانیده اند تفصیل وقایع احوال هنوز نرسیده است .

ترجمهٔ چاکر جان نثار میرزا علیخان مترجم و تحریر چاکر جان نثار میرزا محمد قزوینی منشی دار الترجمه جاقه همایونی

۲۸ شهر شوال
۱۳۰۱

